

نگاه منتقد

## «من امیرو ۷۹ سال دارم»

درباره فیلم‌های نوجوانانه امیر نادری



سحر عصراآزاد  
منتقد سینما

امیر نادری در طول ۶ دهه فیلمسازی پرچالش در داخل و خارج از ایران؛ از معدود کارگردانانی است که خوانش شخصی خود از سینما را در مسیری معنادار تا امروز دنبال کرده و مصداق عینی روح سرکش قهرمانان نوجوان فیلم‌هایش است که به هر جان‌کنندی؛ رویای بزرگشان را زندگی می‌کنند... حتی در آستانه ۸۰ سالگی. پیش‌درآمد فیلمسازی‌اش در ایران؛ ورود به جرگه عکاسان فیلم و عکاسی آثار مطرحی همچون «بیگانه‌ها»، «فیصر»، «حسن کچل» و «رضا منوچری» بود. ترکیبی از عشق و علاقه دوران کودکی‌اش به سینما که خانه دوم او بود (بعنوان تخمه‌فروش، کنترلر، آپاراتچی و مهمتر از همه تماشاچی) و تجربه کار در عکاسخانه‌ها که در پیوند با هم و ارتباط با علیرضا زین‌دست، پای او را به درست‌ترین جایی که می‌توانست در آن قرار بگیرد، باز کردند!

قطعا همکاری با فیلمسازان صاحب‌سبک آن مقطع سینمای ایران که دستی بر آتش موج نداشتند؛ همچون مسعود کیمیایی و زنده‌یاد علی حاتمی که تابع جریان رایج نبودند، در شکل‌دادن به سلیقه و نگاه این جوان نوجوی جنوبی که رویای پرواز در سر داشت، نقش بسزایی داشت او که چندسال بعد، خود بدل به یکی از پیشبرندگان موج نوسینمای ایران در دهه ۵۰ شد.

همچنان‌که وقتی گام در مسیر فیلمسازی گذاشت، دچار خودباختگی نشد و همواره ردپای خود، گذشته و رویاهایش را در فیلم‌هایش دنبال کرد؛ آن‌هم در شمایل قهرمانی تک‌افتاده و سرکش که تا پای جان برای رسیدن به هدف، خود را به مخاطره می‌اندازد... از نوجوانی تابزرگسالی.

به همین واسطه چه‌بسا تمرکز بر شمایل قهرمان نوجوانی که در فیلم‌ها و فیلم‌نامه‌هایش ثبت کرد، راه‌معمول‌تری برای واکاوی کاراکتر این فیلمساز خستگی‌ناپذیر باشد... او که برای پرواز فراتر از مرزهای سینمای شهر، کشور و سرزمین‌اش آنقدر پافشاری کرد که بالاخره گام در مسیر آن گذاشت، اما این برای او آغاز راهی بود که تا امروز ادامه دارد.

امیر نادری یک‌سال بعد از ساخت اولین فیلم‌اش؛ «خداحافظ رفیق» که فراتر از انتظارها از یک فیلمساز جوان و تازه‌کار و نقطه‌ای قابل تأمل بر پیشانی سینمای موج نو بود، سال ۱۳۵۱ فیلمنامه «تجربه» را با همکاری مشترک زنده‌یاد عباس کیارستمی نوشت. تهیه‌کنندگی این فیلم با کارگردانی کیارستمی را کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عهده گرفت. قصه‌ای ملموس از تجربه‌های شخصی نادری که زندگی روزمره



یک نوجوان تنها و بی‌کس‌وکار را که در یک عکاسی کار می‌کند، در پیوند با عشقی افلاطونی به تصویر می‌کشد. قهرمان نوجوانی که می‌تواند پیش‌درآمد تولد امیروی «سازدهنی» و «دونده»، نوجوان فیلم کوتاه «انتظار» و حتی کاراکتر محوری «آب، باد، خاک» باشد. همه این قهرمانان نوجوان، نسبتی با خالق خلاق خود دارند که زیسته‌های خود را محملی برای شکل‌گیری درام زندگی انسان در پرمخاطره‌ترین مقطع حیات قرار داد؛ نوجوانی و بلوغ در تنهایی و تک‌افتادگی و فقر که کودکی‌اش را می‌بلعد و یک انسان بالغ تحویل جامعه می‌دهد با رویاهای تحقق نیافته!

این تصویری است که می‌توان امیر نادری را از ابتدا تا همین امروز در آن قاب کرد؛ فیلمسازی که هیچ‌گاه از خود عبور نکرد، بلکه درام فیلم‌هایش را از خود عبور داد تا خاک، ریشه، جغرافیا، سرزمین، بوم‌شناسی و... از مولفه‌های همیشگی آثارش به‌خصوص با تمرکز بر آثار نوجوانانه‌اش باشند.

هر چند فیلم‌های نوجوانانه او در نگاه اول در دسته‌بندی کلیشه‌ای (درباره کودک/نوجوان) قرار می‌گیرند اما در نگاهی عمیق‌تر؛ (برای کودک) و (درباره کودک) را پشت‌سر گذاشته و تبدیل به یک سر فصل جدید در سینمای کودک و نوجوان می‌شوند؛ فیلم‌هایی که هر دو سویه را با نگاهی ظریف به هم پیوند می‌دهند.

فیلم‌هایی که در یک دایره بسته محدود نمی‌مانند و فراتر از ترسیم جهان کودک/نوجوان از زاویه نگاه یک بزرگسال، قدمی می‌کنند و به وسعت جهان انسان‌ها بزرگ می‌شوند... آن‌هم فقط و فقط به این دلیل مهم که خالق آنها؛ نوجوانی پرشور با رویاهایی بزرگ در پوسته یک بزرگسال است که به مخاطب امکان تجربه هم‌زمان این دو سویه را می‌دهد. به همین واسطه است که ریز پوست فیلم‌هایش گرما، شور و جنون ملموس نوجوانی موج می‌زند و فاصله زاویه‌دید فیلمساز و قهرمان حس نمی‌شود؛ چراکه فاصله‌ای وجود ندارد و او خود در منظر نوجوانی‌اش به نظاره درامی نشسته که ناظر بر گذشته و حال‌اش است.

این دریافت به‌واسطه قیاس قهرمانان نوجوان فیلم‌های امیر نادری با نوجوانان فیلم‌های ماندگار آن دهه و دهه‌های بعد سینمای ایران - تا امروز که دیگر جانی در کالبد سینمای کودک و نوجوان نمانده - بر جسته‌تر می‌شود. از «باش‌غریبه کوچک» تا «خانه دوست کجاست»، از «پدوک» تا «نیا»، از «به خاطر هائیه» تا «مسافر جنوب»، از «تیک تاک» تا «بازی بزرگان» و...

امیر نادری فیلمسازی است که در طول شش دهه فیلمسازی در آستانه ۸۰ سالگی هنوز از حرکت خلاف‌جهت جریان آب دست برنداشته؛ چه آن هنگام (تا پایان دهه ۶۰) که در سینمای ایران فیلم می‌ساخت و فیلم‌هایش بازخورد جهانی خوبی داشتند، چه پس از آن که در سینمای آمریکا و بعدتر اروپا شروع به فیلمسازی کرد... تا امروز که فاصله خود را با سینمای تجاری و جریان روز حفظ کرده است. هر جا که باشد او همواره همان امیرو؛ نوجوان پرشور با رویاهایی به وسعت تجربه‌های ناکرده‌اش برای ماباقی خواهد ماند... امیروی سینمای ایران امروز ۷۹ ساله‌شد.

سطح جهانی شده و در تاریخ سینمای ایران ماندگار شده‌اند.  
❖ **دونده: ساختار شکن**

امیر نادری بعد از انقلاب همچنان روحیه و رویکرد معترض‌ش را حفظ کرد، اما در فرم دچار تغییر و تحول عمیق روحی و نگرشی شد. فیلم «دونده» را می‌توان مصداق این تحول دانست که اثری ساختار شکن و کاملاً آوانگارد در فرم است. موضوع فیلم هم آرزومندی یک نوجوان جنوبی است که می‌خواهد از محیط بسته‌ای که در آن قرار گرفته، بیرون بیاید و رویای پرواز و رفتن به آن‌سوی آب‌ها را دارد. در فیلم دائم کشتی و هواپیماهایی را می‌بینیم که از جلوی او رد می‌شوند و فضای سرد و تنهایی این نوجوان و تقابل دودنیا در فیلم، به‌عنوان عنصر اعتراضی مطرح است. امیرو گویا خود کودکی امیر نادری است. نوجوان تنهایی که می‌خواهد به سرزمین‌های دور برود. کودکی که تنها در یک کشتی به‌گل نشسته زندگی می‌کند است که با جمع کردن اشغال‌ها و فروش بطری‌های خالی، فروش آب یخ، واکس‌زدن کفش فرنگی‌های در جنوب خرج زندگی‌اش را درمی‌آورد. برای یادگرفتن سواد خواندن و نوشتن به کلاس‌های شبانه می‌رود و صحنه پایانی فیلم از درخشان‌ترین صحنه‌های سینماست که امیرو در نبردی با دوستانش، خودش را به خودش اثبات می‌کند و پیروز می‌شود. «دونده»، اولین فیلم ایرانی ساخته‌شده پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ است که توجه جهان را متوجه سینمای ایران کرد. «دونده» را بسیاری از منتقدان، یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌های ربع قرن اخیر معرفی می‌کنند.

❖ **فیلمسازی جست‌وجوگر**

امیر نادری بعد از «دونده»، با همکاری تلویزیون فیلم «آب باد خاک» را می‌سازد که با مانع و توقیف مواجه می‌شود. توقیف فیلم «آب، باد، خاک» و دو فیلم مستند «جستجو ۱» و «جستجو ۲» در تصمیم نادری به مهاجرت از ایران. بی‌تأثیر نبوده اما او دلیل اصلی مهاجرتش را هدف همیشگی‌اش در ساخت فیلم، در خارج از ایران عنوان کرده است. امیر نادری در پایان دهه ۶۰ خورشیدی از ایران مهاجرت کرد و در ایالات متحده، ژاپن و ایتالیا فیلم ساخته است. او بعد از مهاجرات خود خواسته‌اش فیلم‌هایی چون «منهن» از روی شماره» (۱۹۹۳)، «مارتن» (۲۰۰۲) را ساخت. او در مسیر زندگی و فیلمسازی‌اش وفادار به خود، جست‌وجوگر و یک دوستدار واقعی سینمای مانده است و هرگز به فیلمسازی تجاری روی نیاورد، اما فیلم‌های او در مهم‌ترین جشنواره‌های سینمایی جهان دیده شدند، جایزه گرفتند و به یکی از ارغاج‌های سینمایی سینما دوستان دنیا تبدیل شدند. احمد طالب‌نژاد، منتقد سینما معتقد است: «آنچه درباره تمام کارهای نادری اهمیت دارد، این است که ما در همه این فیلم‌ها سگ‌دورزن آدم‌ها برای یافتن هویت و سرمنشأ زندگی و مشکلاتشان را می‌بینیم. آدم‌های امیر نادری مثل خودش بی‌قرار هستند. این بی‌قراری ناشی از عدم اطمینان است. همان‌طور که می‌دانیم، الان هم به‌درستی معلوم نیست امیر نادری کجا زندگی می‌کند! مدتی در آمریکا بود، زمانی در اروپا و چندوقت پیش در ژاپن زندگی می‌کرد. از بعضی دوستانش جویا شدم و دیدم آنها هم نمی‌دانند او دقیقاً کجاست! ولی این آدم هست و به‌رغم محدودیت‌ها در جذب سرمایه کار می‌کند. از آن مهم‌تر اینکه، فیلم‌هایش یکی از یکی بهتر و پربارتر می‌شود.»

بسیاری از فیلمسازان پس از مهاجرت، انگیزه یا توان خود را برای ادامه فیلمسازی از دست می‌دهند و نمی‌توانند موفقیت خود را تکرار کنند. امیر نادری اما با ساخت «منهن» از روی شماره یا (شماره به شماره) تا قبل از «وگاس براساس یک داستان واقعی» باز در حال تمرین و تلاش در کوچ و خیابان‌های نیویورک و آمریکا است و آ، ب، ث... منهن، مارتین و دیوار صوتی را تا قبل از وگاس براساس یک داستان واقعی در ۲۰۰۸ می‌سازد. وگاس براساس یک داستان واقعی با بازی خوب مارک گرین‌فیل، در نقش ادی و نانسو لا اسکالا در نقش تریسی، همسر ادی، در جشنواره‌ها و محافل جهانی حضور پیدا می‌کند و نامزد دریافت جایزه شیر طلایی از شصت‌وپنجمین جشنواره فیلم ونیز ۲۰۰۸، تقدیر ویژه منتقدان فیلم کاتولیک SIGNIS و ۲۰۰۸ و جایزه بهترین فیلم، انجمن فیلمسازان جوان ایتالیا می‌شود. او پس از وگاس براساس یک داستان واقعی کات را در ژاپن می‌سازد. او بارها به علاقه‌اش به سینمای میزوگوجی و اوزو اشاره کرده و می‌داند که سال‌هاست در ژاپن زندگی می‌کند. او در ژاپن سینمای ژاپن را تدریس می‌کند. پس توانسته است به نوعی ثبات فرهنگی در آن کشور برسد. امیر نادری با تمام جلو رفتن‌هایش و حرکت‌هایش نشان داد که توانایی ساختن فیلم در جاهای مختلف را دارد. اینکه در آمریکا فیلم آمریکایی می‌سازد و در ژاپن فیلم ژاپنی؛ یک وجه مهم از چهره اوست.

امیر نادری رادر نهایت می‌توان فیلمسازی معترض دانست؛ چه در فرم؛ چه در محتوا. اما معترضی منفعل نیست. او حتی در فیلم‌هایش به انفعال آدم‌ها هم اعتراض می‌کند و می‌گوید آنها را به تلاش و تداوم ترغیب کند. او فیلمسازی جست‌وجوگر است که هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. مثل امیرو «سازدهنی»، پر از شور است. مدام در حال مکاشفه و تجربه کردن است. امیر نادری در جایی گفته است: «من همان امیرو هستم که تلاش کردم خودم را از شرایط گذشته‌ام بیرون بکشم». کارنامه او نشان می‌دهد که این نه یک شعار که عین کارنامه اوست. سینمای او هم روایتی از همین معناست؛ دوندگی در زندگی.

گرامافون

## از صبا نوازنده ناصبای نویسنده

پژوهشی ارزنده درباره صبا



عطا نویدی  
پژوهشگر موسیقی ایرانی

«در قفس» عنوان کتابی است نوشته فرهود صفرزاده که به زندگی ابوالحسن صبا، هنرمند نامی موسیقی ایران پرداخته است. ابوالحسن صبا شخصیتی منحصر بفرد و کم‌نظیر در تاریخ موسیقی ایران بود که هر چه درباره او و نقش ارزنده‌اش در حفظ و پاسداری از موسیقی ایران گفته شود، گزاره نیست. از این رو پژوهشگران و موسیقیدانان بسیاری در طول بیش از ۶۶ سال که از درگذشت صبا می‌گذرد، خود را موظف دانسته‌اند تا در قالب یادنامه، کتاب، مقاله، یادداشت و حتی اجرای کنسرت، نام و یاد او را زنده نگاه دارند. صبا شخصیتی بود که زندگی هنرمندانه و سرشار از موسیقی داشت، نه اینکه فقط شغل و حرفه‌اش موسیقی باشد. موسیقی در تاروپود زندگی صبا جریان داشت و به همین سبب از معدود شخصیت‌های موسیقیدان در تاریخ است که چند وجه بارز و قابل تأمل در خود داشت که هر یک از این وجوه شخصیتی، خود انسان و زندگی مستقلی می‌طلبید.

فرهود صفرزاده در کتاب «در قفس» سعی کرده تا شناخت خود را نسبت به صبا برای خواننده بیان کند، نه صرفاً آنچه در روایات و کتب پیش از او نوشته شده بود. به‌زعم مؤلف در سال‌ها و دهه‌هایی شخصیت صبا نه به‌عنوان یک حافظ و راوی راستین موسیقی بلکه به‌عنوان فردی که از ریشه‌ها و اصالت موسیقی ایرانی فاصله فراوانی داشت، مطرح می‌شد که در برهه‌ای مانند یک تواب، به موسیقی ایرانی رجعت کرده است. این نگاه نادرست، مؤلف را سال‌ها به فکر بیان برداشت شخصی‌اش از صبا واداشته بود که حاصل آن کتاب حاضر است.

در بخش «صبا اصیل» این کتاب به اصل، نسب، خاندان و خانواده صبا پرداخته شده است. در بخش «صبا هنر جو» به آغاز آشنایی و فراگیری موسیقی توسط صبا نگاهی شده است. «صبا هنرمند» هنرهایی را که صبا با آن‌ها آشنایی داشت بررسی می‌کند؛ نقاشی، خوشنویسی، شاعری، نجاری، منبت‌کاری، ساختن ساز، گلدوزی، ملیله‌دوزی، پرورش گل و آشنایی با زبان‌های انگلیسی، فرانسه، روسی، ترکی و عربی از جمله هنرها و فوئونی بود که صبا با یک استعداد ذاتی در هر کدام دست داشت و در برخی مانند سازسازی چنان تأثیر شگرفی از خود به‌جا گذاشت که این فن و هنر را تا همیشه مدیون خود کرده است.

در فصل نخست کتاب می‌توان وجوه مختلف این هنرمند را دید؛ «صبا نوازنده»، «صبا هنرموز»، «صبا ردیف‌دان»، «صبا آهنگساز»، «صبا نویسنده»، «صبا پدر» و «صبا صبور». در فصل بعدی این کتاب با عنوان «یادداشت‌ها» گزیده‌ای از مقاله‌ها و یادداشت‌های ابوالحسن صبا که اهمیت بیشتری از دیگر نوشته‌های او دارند و کمتر در دسترس علاقه‌مندان بوده، منتشر شده است. این یادداشت‌ها در مجلات و کتاب‌های مختلف به‌صورت پراکنده وجود دارد از این رو گردآوری و انتشار یک جای آن امری ارزشمند و نقاط مثبت این کتاب است. در فصل «نوشته‌ها» نیز بخشی از مقاله‌ها و یادداشت‌هایی که درباره صبا توسط هنرمندان و پژوهشگران نوشته شده و کمتر در دسترس بوده، منتشر شده است اما تنها ۲۰ صفحه از کتاب را شامل می‌شود و جا داشت این بخش کمی پربارتر شده یا کتابی جداگانه در این خصوص منتشر شود. بخش‌های سروده‌ها و گاهنامه، بخش‌های پایانی کتاب است که شامل برخی سروده‌ها به یاد صبا و روزشمار زندگی اوست. کتاب «در قفس»، پژوهشی ارزشمند درباره استاد ابوالحسن صباست که توسط نشر فوجان منتشر شده است.



## مزایده املاک و اموال مزاد بانک کشاورزی استان خراسان شمالی

نوبت اول

به اطلاع می‌رساند مدیریت بانک کشاورزی در استان خراسان شمالی در نظر دارد املاک مشروحه ذیل را از طریق مزایده عمومی واگذار نماید، مهلت دریافت اسناد از تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۷ می‌باشد و مهلت ارائه پیشنهاد تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ می‌باشد. کلیه مراحل برگزاری مزایده (دریافت اسناد، ارائه پیشنهاد و بازگشایی) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد. ضمناً متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند در ساعات اداری با شماره تلفن‌های مدیریت شعب به شماره ۰۵۸۳۲۲۴۳۱۱۰ داخلی ۱۴۲ و ۱۸۸ تماس حاصل فرمایند.

هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

- ▶ مبلغ سپرده شرکت در مزایده (معادل ۵ درصد مبلغ پایه کارشناسی مندرج در آگهی که به‌صورت فیش می‌باشد) که می‌بایست توسط متقاضی خرید پرداخت گردد. ضمناً هزینه خرید اوراق مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد.
- ▶ بازدید از املاک و اموال و مطالعه مدارک و سوابق مربوطه قبل از شرکت در مزایده برای شرکت‌کنندگان ضروری و تخلیه املاک دارای متصرف بر عهده خریدار می‌باشد.
- ▶ تاریخ بازگشایی پاکات مزایده مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۱ ساعت ۱۰ صبح به آدرس بجنورد، خیابان امام خمینی- مدیریت شعب بانک کشاورزی می‌باشد.
- ▶ بانک در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
- ▶ کارمزد مربوط به سامانه ستاد بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
- ▶ اولویت فروش به صورت نقدی بوده و فروش به صورت اقساطی، به شرح شرایط مندرج در ستون وضعیت فروش می‌باشد.

مشخصات ملک	مساحت	محل ملک/ اموال	قیمت پایه (ریال)	سپرده شرکت در مزایده (ریال)	وضعیت فروش	وضعیت ملک
۵۹۲۱ سهم مشاع از ۸۳۵۴ سهم یک قطعه زمین با کاربری پارکینگ پلاک ثبتی ۱ فرعی از اصلی ۳۰۵۵	۲۵۰/۶۲	بجنورد خ شهید منصور حصاری یک - پ ۱۶	۱۴,۲۰۹,۲۶۵,۹۸۰	۷۱۰,۰۰۰,۰۰۰	فقط نقدی	متصرف ندارد
۹۳۲۰۴ سهم مشاع از ۱۳۳۱۶۵ سهم یک قطعه زمین با کاربری پارکینگ پلاک ثبتی ۲ فرعی از اصلی ۳۰۵۵	۲۶۶/۳۳	بجنورد خ شهید منصور حصاری یک - پ ۱۸	۱۴,۹۱۲,۶۴۰,۰۰۰	۷۴۵,۰۰۰,۰۰۰	فقط نقدی	متصرف ندارد
۴۱'۵۸ سهم مشاع از ۳۲۵ سهم عرصه و اعیان پلاک ثبتی ۹۹۵۹ فرعی از ۱۶۹ اصلی	عرصه ۳۲۵ اعیان ۱۸۹۷	بجنورد-خ ۱۷ شهریور -مقابل خ سرداران پ ۵۸	۵۸,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۲,۹۴۳,۰۰۰,۰۰۰	فقط نقدی	متصرف دارد

شناسه آگهی: ۱۷۲۴۱۰۴